

روزشمار جنگ

دوشنبه

۱۱ مرداد ۱۳۶۱

۱۲ شوال ۱۴۰۲

۲ اوت ۱۹۸۲

۵۵۴

مباحث طولانی و بررسی‌های همه جانبه برای ادامه عملیات امروز هم مهم‌ترین و جدی‌ترین مشغله فرماندهی سپاه بود. انتخاب منطقه مناسب با هدف بصره و طراحی مانور عملیات با توجه به محدودیت‌های نیروی انسانی و تجهیزات موجود، مهم‌ترین مباحث مطرح شده بود.

یادآوری می‌شود که بعد از مباحث طولانی چند روز اخیر، عصر روز گذشته جلسه خصوصی پنج نفره فرماندهان* قرارگاه کربلا نهایتاً به این تصمیم رسید: طرح انتخابی تکرار عملیات مرحله پنجم در شمال پاسگاه زید لکن با هدف تصرف دو مثلث (به جای مثلث مرحله پنجم) می‌باشد که در چند روز آینده اجرا شود. سپس عملیات با استفاده از موقعیت، به سمت بصره تداوم یابد. زمان لازم برای احراز آمادگی کافی جهت اجرای مرحله دوم حدود ۱۰ تا ۱۵ روز در نظر گرفته شد. قرار شد فرمانده نیروی زمینی ارتش، موضوع را در جلسه فرماندهان و مسئولان ستاد این نیرو مطرح کند و پس از آن جلسه، مجدداً جلسه خصوصی فرماندهی قرارگاه کربلا برای اخذ تصمیم قطعی، شب هنگام تشکیل بشود. چنان که در روز شمار قبل آمده است، جلسه مزبور شب گذشته تشکیل نشد بلکه با همان ترتیب از اولین ساعات صبح امروز در قرارگاه کربلا، تشکیل گردید.

در آغاز، نخست صیادشیرازی نتیجه نهایی رایزنی خود با فرماندهان نیروی زمینی ارتش را "اتفاق آرای فرماندهان ارتش در مخالفت با اجرای این عملیات" اعلام کرد. وی در پاسخ به

* این پنج نفر عبارت بودند از: محسن رضایی (فرمانده کل سپاه) و علی صیادشیرازی (فرمانده نیروی زمینی ارتش) فرمانده قرارگاه مشترک فرماندهی و هدایت عملیات (کربلا)، رحیم صفوی و غلامعلی رشید (معاونان قرارگاه کربلا)، حسن باقری (فرمانده قرارگاه لشکر) نصر از سپاه در چند روز اخیر عملاً در جایگاه یکی از مسئولان قرارگاه کربلا و عضوی از گروه پنج نفره یاد شده، قرار گرفته است و از مشاوران اصلی تصمیم‌گیری جنگ محسوب می‌شود.

سؤال محسن که دلایل رد چی بود، گفت که رخنه‌ای با عرض کم و طول زیاد، یک سرپیل است و سرپیل را باید عبور کرد نمی‌توان نگه داشت زیرا آتش دشمن از سه طرف و پاتک‌های او نیز از سه جهت، شدید خواهد بود. وی ضمناً برای مقابله با پاتک‌ها، لزوم آتش توپخانه خودی و کمبود مهمات آن را متذکر شد.

محسن رضایی پرسید: «راجع به عملیات با عرض سه مثلث، چه نظری داده شد؟»
 صیاد: «آن را که خودتان (حضرار سپاهی جلسه) به دلیل کمبود نیرو منتفی دانستید، بنابراین طرح هم نشد اما عمل در آن عرض، مشکل این عرض کم را ندارد.»
 صیاد افزود که اجرای عملیات به معنای رسیدن به هدف اصلی و عملیات کوچک، با برآورد نیروی کافی، مورد توجه حاضران جلسه فرماندهان نیروی زمینی ارتش بوده است. سپس جلسه وارد یک دوره بحث‌ها و پیشنهادهای و بررسی‌های فنی و تاکتیکی شد تا راهی برای غلبه بر مشکلات و کمبودهای موجود بیاید و عملیات در شرق بصره دچار وقفه‌ای طولانی نگردد.
 ضمن مباحث بعضاً گزارش‌هایی از اعزام نیروهای داوطلب و زمان لازم برای آموزش آن‌ها می‌رسید که برای تصمیم‌گیری‌ها لازم بود. همچنین در حاشیه بحث بعضاً به نقاط ضعف و قوت خودی و دشمن در عملیات اخیر نیز اشاره می‌شد.
 بعد از مدتی بحث و ذکر دلیل و مثال، جلسه چنین ادامه یافت:

محسن: «حالا به هر حال اگر واقعاً اعتقادی به عملیات هست، که هماهنگ و با تمام قدرت برویم وسط، خب برویم، اگر نیست، بگذاریم همان یک ماه آینده. ما دلایل را ذکر کردیم که چیست.»

صیاد: «ما ۲ راه داریم: اگر می‌خواهیم این‌جا ادامه تک بکنیم، یک راهش این است به ازای هر ۴ روز، ۵ روز، ۶ روز یک عملیات بکنیم که دشمن فرصت [احداث استحکامات جدید و آب‌اندازی] نداشته باشد. یک راهش هم این است که بیاییم برویم یک خرده دوباره توان به دست بیاوریم، بیاییم برای تا آخر عملیات، پی‌گیری عملیات را شروع کنیم و اگر هم دیدیم راهمان بن‌بست شده، خب برویم جای دیگر.»

محسن: «خب راه سومش راهی است که من پیشنهاد کردم، شما چرا این راه سوم را نفی می‌کنید؟»

صیاد: «عرض می‌کنم، راه سوم [را رد می‌کنم] به این دلیل که مراقبت از این رخنه با عرض کم، خودش هم وقت را می‌گیرد و هم نیرو می‌خواهد، یعنی گردان به گردان باید صرفش کنیم تا این را نگه داریم.»

بعد از بحث‌هایی، صیادشیرازی به موضوع عملیات تصرف سه مثلث برگشت و نظر داد که در صورت داشتن توان، این عملیات شدنی است و چند روز بعد ادامه عملیات داده شود. به این ترتیب فضای بحث مجدداً به وضع سابق بازگشت و مختصر سنگینی حاکم بر جلسه رفع شد.

در ادامه، پس از اخذ گزارش‌های مربوط به اعزام نیروهای آموزشی و اعزام مجدد، محسن رضایی تخمین زد که می‌توان بعد از ۷ روز به عملیات اول (عمل در سه مثلث) و ۲۰ روز بعد به عملیات بزرگ نهایی اقدام کرد که ظرف ۴۸ ساعت از کانال عبور کنیم و ۴۸ ساعت بعد با تمام قوا وارد منطقه بعد از کانال ماهی بشویم و به سوی هدف نهایی پیش‌روی کنیم. ظاهراً این بهترین طرح ممکن است، بنابراین روی سازمان رزم و نحوه آفند و پدافند و وظایف یگان‌های سپاه و ارتش بحث می‌شود. نهایتاً قرار شد صیادشیرازی مجدداً راجع به این طرح با عده‌ای از اعضای ستاد و فرماندهان نیروی زمینی ارتش به رایزنی بپردازد و سپس با حضور مجدد در جلسه حاضر، برای تعیین تکلیف نهایی نظر قطعی خود را اعلام کند.

حس زده می‌شد که زمان تشکیل مجدد جلسه ساعت ۱۱ (قبل از ظهر) خواهد بود،^(۱) اما عملاً اندکی پس از ساعت ۲۱ تشکیل شد، زیرا فرماندهان سپاه و ارتش ضروری دانستند که جوانب طرح عملیات را جوانب مسئله را بیش‌تر بررسی کنند و نیز فرمانده سپاه به هور رفته بود جهت یک بازدید فوری و بررسی طرح "حرکت" در هور که ضمن مباحث صبح، به ذهن وی آمده بود. (لحظه ضمیمه دارد)

شب هنگام، کمی بعد از ساعت ۲۱ مجدداً جلسه ۵ نفره فرماندهان قرارگاه کربلا تشکیل شد. در شروع جلسه، گزارش صیادشیرازی، از جلسه ارتش، ارائه شد که طی آن طرح "عملیات در سه مثلث" - که صبح مورد توجه قرار گرفته بود - رد شد. فشرده دلایل ارائه شده به وسیله صیاد که در جلسه نیز مورد بحث قرار گرفت، چنین بود:

۱- واحدها و قرارگاه‌هایی که تصرف و نگه‌داری منطقه را عهده‌دار خواهند بود، آسیب اساسی خواهند دید و این به ضرر عملیات اصلی است.

۲- پی‌آمد تصرف منطقه مربوطه، مصرف زیاد مهمات در مقابل پاتک‌های دشمن خواهد بود که این امر با توجه به محدودیت‌های موجود، ادامه عملیات را با مشکل کمبود مهمات توپخانه مواجه خواهد کرد.

۳- از پس گرفتن منطقه، دشمن حساس خواهد شد و جهت تک اصلی را پیش‌بینی خواهد کرد و مزاحمت بیش‌تری برای آن فراهم خواهد آورد، و چون استفاده از موفقیت دیر انجام خواهد شد، دشمن راه‌کارهای خودی را خواهد یافت و حتی در صورت مایوس شدن از بازپس‌گیری منطقه متصرفی، موانع و استحکامات بیش‌تری در عمق ایجاد خواهد کرد.^(۲)

در ادامه، این امری قطعی شد که هر گونه عملیات بعد از بازسازی و احراز آمادگی قطعی خودی، باید یک باره شروع شود تا از قوت لازم برخوردار باشد. چندین طرح مختلف نیز مطرح و بحث شد و نهایتاً همان طرح قبلی "رشید" مورد توجه قرار گرفت که از عملیات در مثلث‌ها صرف‌نظر شود، عرض منطقه عملیات از آب‌گرفتگی شلمچه تا پاسگاه زید باشد و در یک مرحله عبور از کانال ماهی و تصرف سرپل انجام شود و در مرحله بعد و بلافاصله، سرپل مربوط توسعه

یابد و گسترش نیرو داده شود و هدف اصلی یعنی بصره مستقیماً هدف این مرحله باشد. در این جلسه همچنین آرایش نیروهای عمل کننده و سازمان رزم عملیات آتی در حد کلیات مورد بحث قرار گرفت و مطرح شد که تصرف کانال و عبور از آن با ۲ قرارگاه انجام گیرد و یک قرارگاه نیز به انهدام نیروی دشمن در جناح راست منطقه عملیاتی و نیز احداث خاکریز بپردازد. در این حال، همزمان، قرارگاه قدس عملیاتی در شمال منطقه شرق بصره انجام دهد تا دشمن را در عقبه متزلزل کند. همچنین استفاده از یک گردان ترکیبی سپاه و ارتش به استعداد ۶۰۰ چترباز ورزیده که شبانه با هلی کوپتر به عمق دشمن و خطوط عقبه او انتقال یابند و در آن جا به عملیات بپردازند نیز مورد توجه قرار گرفت.

بعد از ساعتی، عزیز جعفری جانشین قرارگاه نصر (سپاه)، اصغر کاظمی، معینیان و بزرگ زاده (به ترتیب مسئولان طرح و برنامه اطلاعات و عملیات و ستاد قرارگاه کربلا) هم به جمع پنج نفری اصلی پیوستند و جلسه تا حدود نیمه شب ادامه یافت، و در حالی که جلسه به جمع بندی قطعی جوانب قضیه نزدیک شده بود، جهت ملاقات فرماندهان قرارگاه کربلا با دو تن از پناهندگان عراقی موقتاً تعطیل شد.^(۳)

در واقع به اعضای، جلسه دو پناهنده عراقی و "مبلغ" مسئول تبلیغات قرارگاه کربلا اضافه شدند و موضوع بحث موقتاً عوض شد. این دو پناهنده، اهل بصره بودند و محسن رضایی، صیادشیرازی، غلامعلی رشید و حسن باقری هر کدام سئوالاتی درباره موضوعات مورد نظر مطرح کردند و دو پناهنده نیز توسط مترجم به ادای توضیحات پرداختند.^(۴)

۵۵۵

بر اثر ترس از ادامه یافتن عملیات رمضان، ارتش عراق در حوالی شهرهای بصره، تنومه، نشوه و نیز در خطوط دفاعی خود در شرق بصره مشغول احداث موانع و استحکامات است. مهندسی ارتش عراق در تنومه همه راه های فرعی منتهی به این شهر را مین گذاری کرده و عملیات ایجاد موانع در شرق بصره از نشوه به سمت جنوب در عمق نیز همچنان ادامه دارد. این موانع و استحکامات با نظارت تعدادی از افسران مصری طراحی و احداث می شود.^(۵)

یک سرباز عراقی که اخیراً به ایران پناهنده شده، درباره این اقدامات ارتش عراق گفته است: «ارتش عراق در بصره در خطوط دفاعی شرق آن مشغول ساختن استحکامات می باشد و در پشت بام ها، کوچه ها و خیابان ها با گونی سنگر ساخته اند. تعداد ضد هوائی های مستقر در شهر زیاد شده است، ارتش عراق برای دفاع از شهر از دانش آموزان استفاده می کند و دانش آموزان را از شهرهای دیگر برای حفاظت از بصره به این شهر می آورند.» به گفته وی، اکثر مردم بصره در شهر هستند و دولت عراق از خروج آنان جلوگیری می کند. این اسیر عراقی افزوده است که مردم خواهان ورود ارتش ایران به عراق هستند و بخش عربی رادیو ایران را می شنوند و برای پیروزی ایران دعا می کنند.^(۶)

۵۵۶

سرهنگ "صیاد شیرازی" فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، در سخنانی در جمع کثیری از نیروهای رزمنده در منطقه جنوب، پس از تشریح دلایل اجرای عملیات رمضان، دربارهٔ سیاست‌های نظامی ایران برای ادامه جنگ گفت: «تا تنبیه کامل متجاوز قاطعانه به نبرد ادامه خواهیم داد. اگر ما می‌خواستیم در محدودهٔ جغرافیایی زمین با دشمن نبرد کنیم، با بیرون راندن مزدوران صدامی از زمین‌های اشغالی جمهوری اسلامی ایران، امروز نبردمان به پایان رسیده بود، ولی از آن جا که استراتژی جنگی ما براساس سیاست‌های پیامبرگونه ولایت فقیه است، تا تنبیه کامل متجاوز قاطعانه به نبرد خود ادامه خواهیم داد و ظالم را بر سر جای خود خواهیم نشاند و حقوق حقه‌مان را از آن‌ها بازپس خواهیم گرفت.»^(۷)

همچنین امروز یکی از فرماندهان نیروهای زرهی سپاه پاسداران در مصاحبه‌ای تلفات و خسارات دشمن در عملیات رمضان را بر شمرد. وی با اشاره به تلفات فراوان نیروهای دشمن و انهدام بسیاری از تجهیزات و ادوات زرهی آنان گفت که ارتش عراق برای بازسازی واحدهای منهدم شده خود به زمانی طولانی نیاز دارد. وی سپس از انهدام ۳۷۲ دستگاه تانک، نفربر و خودروی دشمن در عملیات رمضان، به عنوان "انهدام بزرگ و نشانه بارز توانایی رزمندگان اسلام در مقابله با دشمن" یاد کرد.^(۸)

۵۵۷

همچون روزهای گذشته شهر آبادان زیر آتش سنگین توپخانه ارتش عراق قرار داشت که بر اثر آن، حداقل ۳۰ واحد مسکونی آسیب دید و شماری از مردم زخمی شدند.^(۹) همچنین توپخانهٔ سنگین ارتش عراق امروز مناطق مسکونی منطقه اروندکنار را نیز گلوله‌باران کرد که به ویرانی چندین منزل مسکونی انجامید.^(۱۰)

۵۵۸

ارسال تجهیزات پیش‌رفته نظامی، مهمات و سایر جنگ افزارها از کشورهای متعدد - خصوصاً کشورهای عرب منطقه خلیج فارس - به عراق همچنان ادامه دارد.

امروز محمولات نظامی وارد شده به عراق چنین بوده‌است: از کویت ۵۹ دستگاه تریلر حامل مهمات و ادوات نظامی؛^(۱۱) از اردن پنجاه دستگاه خودرو حامل تجهیزات نظامی و پزشکی؛^(۱۲) از عربستان سعودی سی دستگاه تریلر حامل مهمات و تجهیزات گوناگون از قبیل موشک ضدتانک، وسایل یدکی تانک و انواع مهمات.

تریلرهای اعزامی از عربستان را مأموران امنیتی این کشور به‌طور کامل حفاظت می‌کردند. این تریلرها با فاصله نیم ساعت از یک دیگر به سوی عراق می‌رفتند.^(۱۳) مجلهٔ نظامی "جیمز دیفنس" در بارهٔ کمک‌های کشورهای غربی و شرقی به دولت عراق، نوشته‌است: «اخیراً ۶۵۰ تانک مدرن و تعداد زیادی موشک‌های ضدهوایی و ضدتانک از سوی کشورهای مختلف در

اختیار رژیم عراق قرار داده شده است.» این مجله به نقل از منابع اطلاعاتی غربی افزوده است که ۴۰۰ تانک تی - ۵۵ و ۲۵۰ دستگاه تانک مدرن تی - ۷۲ از کشور لهستان به سوی بندر "ینبع" عربستان سعودی و بندرهای کویت روانه شده است تا به عراق تحویل شود. طبق این گزارش، دولت فرانسه نیز تعداد بسیاری موشک ضدهوایی "کروتال" و موشک ضدتانک قابل نصب بر هلی کوپترهای جنگی "غزال" در اختیار عراق قرار داده است.^(۱۴)

همچنین به گفته دو سرباز عراقی که با شنا کردن از عرض اروند خود را به نیروهای ایران تسلیم کرده اند، نیروهای نظامی از چندین کشور عربی به عراق اعزام شده اند. یکی از این سربازان در این باره گفت: «تعداد زیادی نیروی نظامی از کشورهای مصر، مغرب، تونس و یمن شمالی در ارتش عراق خدمت می کنند. علاوه بر اعزام نیروی نظامی از سوی کشورهای عربی به عراق، هر روزه کمک های نظامی فراوانی نیز از طریق این کشورها و خصوصاً کشورهای عربی منطقه خلیج فارس به عراق ارسال می شود.»^(۱۵)

همچنین در راستای کمک های عربستان به عراق نشریه "بررسی اقتصادی خاورمیانه" (مید) نوشت: پس از این که خط لوله نفتی عراق به دریای مدیترانه به دستور دولت سوریه در این کشور بسته شد، مقامات دولت عربستان موافقت کردند که از بندر "ینبع" نفت عراق را صادر کنند. براساس این توافق، در اولین اقدام قرار است که شرکت های ژاپنی خریدار نفت عراق، یک محموله ۶ میلیون بشکه ای نفت از عربستان به جای عراق تحویل بگیرند.^(۱۶)

۵۵۹

امروز ۱۲۷ تن از مردم عراق از مرزهای غربی کشور وارد ایران شدند و تقاضای پناهندگی کردند. این عده از اهالی شهرهای سلیمانیه، چمچال، بغداد، کربلا و نجف هستند و اکثر آنها تحصیلات دانشگاهی دارند.^(۱۷)

۵۶۰

شماری از خبرنگاران، فیلم برداران و عکاسان رسانه های خارجی صبح امروز از اردوگاه حشمتیه محل نگهداری اسیران عراقی دیدار و به طور آزاد و مستقیم با آنها گفت و گو کردند. اسیران عراقی با شعارهای "الله اکبر، خمینی رهبر، مرگ بر صدام، مرگ بر امریکا" از این گروه استقبال کردند. یکی از اسیران عراقی در مصاحبه با یک خبرنگار خارجی گفت: «رفتار انسانی برادران ایرانی باعث شده که من فراموش کنم اسیر هستم؛ من خود را مهمان ایرانیان احساس می کنم نه اسیر جنگی آنان.»

در پایان این دیدار نماینده روزنامه "تایمز" هند در مورد مشاهدات خود گفت: «رفتار خوب ایرانیان باعث شده است که اسرا همه شاداب باشند و من مطمئن هستم که در عراق با اسرای ایرانی خیلی بد رفتاری می شود.» وی بازگشت این اسیران را خطر بزرگی برای صدام

دانست. گزارش‌گر خبرگزاری "کیودو" ژاپن نیز در این باره گفت: «از اسرا خیلی خوب نگهداری می‌شود و اعلام آمادگی آنان برای اعزام به جبهه نبرد با صدام برای من خیلی تعجب‌آور بود.»

یک خبرنگار ترک که از اردوگاه اسیران ایرانی در عراق نیز بازدید کرده‌است، در مقایسه با وضعیت اسیران ایرانی و عراقی گفت: «نکته جالب برای من این بود که در عراق نیز اسرا همانند ایران شعار "الله اکبر، خمینی رهبر" و "مرگ بر صدام" سر می‌دادند.» وی افزود: «نحوه نگهداری اسرا در ایران با نحوه نگهداری اسرا در عراق قابل مقایسه نیست.» نماینده روزنامه "مانیچی" ژاپن نیز درباره مشاهدات خود گفت: «اسرا به علت رفتار انسانی سربازان ایرانی، بسیار راضی به نظر می‌رسند.»^(۱۸)

۵۶۱

در ادامه مقابله با اقدامات امروز یک بمب قوی کشف شد و ۲۵ تن از اعضای سازمان مجاهدین خلق نیز دست‌گیر شدند. به گزارش سپاه پاسداران منطقه کردستان، امروز یک محموله انفجاری به وزن ۷۰ کیلوگرم که در یک اتومبیل جاسازی شده بود، در محور سقز - دیواندره کشف شد و فرد مأمور انفجار آن نیز دست‌گیر شد. قرار بود این اتومبیل به تهران برده شود و در یکی از مناطق منفجر گردد.^(۱۹)

در شیراز نیروهای سپاه پاسداران و کمیته انقلاب اسلامی، ۲۵ تن از اعضای سازمان مجاهدین خلق را دست‌گیر کردند و به مقامات قضایی تحویل دادند.^(۲۰) در خرم آباد نیز ۸ تن از عناصر چریک‌های فدایی خلق شاخه "پویان" را سپاه پاسداران دستگیر کرد. طبق اطلاعیه سپاه پاسداران، این عده بقایای گروهی هستند که چندی پیش در خرم آباد با دستگیری اعضای آن، متلاشی شده بود.^(۲۱)

۵۶۲

به دنبال انفجار عظیم در ساختمان وزارت برنامه‌ریزی عراق و کشته و مجروح شدن بسیاری در این حادثه، دولت عراق تدابیر امنیتی شدیدی در اطراف ساختمان‌های دولتی به اجرا گذاشته‌است، براساس این تدابیر، هیچ خودرویی نباید در نزدیکی ساختمان‌های دولتی توقف کند و مراجعه‌کنندگان به این ساختمان‌ها نیز به دقت بازرسی بدنی می‌شوند. مطبوعات عراق برای امن جلوه دادن این کشور، خبر انفجار را بدون ذکر خسارات و تلفات در صفحات داخلی خود چاپ کردند.^(۲۲)

۵۶۳

رادیو لندن در تفسیری به بررسی ابهام پیش آمده در مورد محل تشکیل کنفرانس عدم تعهد پرداخت: «... ادامه جنگ عراق و ایران امکان برگزاری اجلاس ماه آینده جنبش عدم تعهد در بغداد را به صورت جدی مورد تردید قرار داده‌است. اقدام بنگلادش در مورد

تغییر محل کنفرانس نیز بر این ابهام و تردید افزوده‌است و این درحالی است که فرستادگان ویژه آیت‌الله خمینی سرگرم بازدید از اندونزی، هند، بنگلادش و سریلانکا هستند و تلاش می‌کنند تا از شرکت آنان در کنفرانس بغداد ممانعت به عمل آورند.»

این رادیو سپس افزود: «با توجه به تردید جدی در تشکیل کنفرانس در بغداد، احتمالاً در اجلاس آتی کمیته هماهنگی نهضت عدم‌تعهد که در مورد محل و زمان کنفرانس تصمیم خواهد گرفت، دو پیشنهاد شخصی مطرح خواهد شد: اول این که کنفرانس تا اوایل سال آینده به تعویق افتد تا الجزایر بتواند ایران را قانع کند که آتش‌بس در جنگ را بپذیرد و از این طریق امنیت عراق برای برپایی کنفرانس برقرار شود. و دوم این که کنفرانس در زمان مقرر در محل دیگری و احتمالاً در دهلی‌نو برگزار شود در این صورت عراق از ریاست بر نهضت به مدت ۳ سال محروم خواهد شد.»^(۲۳)

همچنین به گزارش فرانس پرس، یک روزنامه معتبر چاپ یوگسلاوی نیز در این باره نوشته‌است: «بغداد در شرایط کنونی برای محل تشکیل کنفرانس عدم‌تعهد فاقد امنیت است و نمی‌توان تصور کرد که تعداد زیادی از سران کشورها در محلی به این ناامنی گردهم آیند و هواپیماهای جنگی در بالای سر آنها در حال پرواز باشد.»^(۲۴) به گزارش خبرگزاری هندی یو. ان. آی. نیز بر اثر اعلام مخالفت تعدادی از اعضای مهم نهضت عدم‌تعهد با برگزاری کنفرانس سران این نهضت در بغداد، صدام از شکست سیاسی بزرگی که در صورت حذف بغداد از میزبانی این کنفرانس در انتظارش خواهد بود، به وحشت افتاده‌است.

این خبرگزاری افزود: «دیپلمات‌های کشورهای غیرمتعهد از تصمیم بنگلادش مبنی بر عدم شرکت در هفتمین کنفرانس سران جنبش عدم‌تعهد در بغداد، خشنود به نظر می‌رسند. به عقیده این دیپلمات‌ها، یافتن محل جدیدی برای این کنفرانس کار چندان دشواری نیست. پرواز جنگنده‌های ایران بر فراز شهر بغداد عدم امنیت عراق را برای برگزاری این کنفرانس به اثبات رسانده‌است.»

طبق همین گزارش، مقامات کوبایی پس از درخواست بنگلادش برای تغییر محل کنفرانس، تماس‌هایی با مقامات عراقی برقرار کرده‌اند. حکومت صدام نیز برای جلوگیری از یک شکست سیاسی، فرستاده ویژه‌ای به داکا اعزام کرده‌است تا دولت بنگلادش را از تصمیم خود مبنی بر عدم شرکت در کنفرانس بغداد و تغییر محل کنفرانس از این شهر به محل دیگر، منصرف کند.^(۲۵)

همچنین به گزارش روزنامه جمهوری اسلامی، ناظران سیاسی در اسلام آباد تشکیل کنفرانس سران غیرمتعهد را در بغداد ناممکن می‌دانند و متعقدند که بر اثر تلاش‌های چندین کشور مهم غیرمتعهد برای تغییر محل کنفرانس و ادامه جنگ ایران و عراق، تغییر محل کنفرانس حتمی است، روزنامه پرتیراژ "جنگ" چاپ اسلام آباد نیز در مقاله‌ای در

این باره نوشت: «علی‌رغم تلاش‌های گوناگون و مخارج سنگین که رژیم عراق برای تشکیل کنفرانس سران کشورهای غیرمتعهد انجام داده، ورود نیروهای ایران به داخل خاک عراق، کوشش‌های صدام برای کسب ریاست نهضت عدم‌تعهد را خنثی نموده‌است.»^(۲۶)

۵۶۴

به گزارش خبرگزاری عراق، امروز صدام حسین پیامی از رئیس‌جمهور رومانی دریافت کرد. در این پیام موضوعات مربوط به توسعه همکاری‌های عراق و رومانی و ضرورت تبادل نظر در مورد تحولات منطقه خاورمیانه و جنگ ایران و عراق مطرح شده‌است. این پیام را مشاور رئیس‌جمهور رومانی به صدام تحویل داد. در این دیدار سعدون حمادی وزیر خارجه عراق نیز حضور داشت.^(۲۷)

مشاور رئیس‌جمهور رومانی امروز همچنین با وزیر بازرگانی عراق دربارهٔ تحکیم روابط اقتصادی و بازرگانی دو کشور گفت‌وگو کرد.^(۲۸)

۵۶۵

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از برلین، یک هیئت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به سرپرستی مصطفی هاشمی وزیر صنایع، امروز وارد جمهوری دموکراتیک آلمان شد و در فرودگاه برلین مورد استقبال وزیر صنایع شیمیایی آلمان شرقی قرار گرفت.^(۲۹)

۵۶۶

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از کویت، شیخ "سالم الصباح" وزیر کویت، در مصاحبه‌ای با یک مجله چاپ عربستان، به ورود نیروهای آمریکایی در منطقه خلیج فارس اعتراض کرد و افزود: «کشورهای غربی در صدد هستند تا با ایجاد وحشت در منطقه و اشاعه عدم امنیت در خلیج فارس، زمینه را برای ورود خود به این منطقه آماده نمایند و ورود آن‌ها تنها برای حفظ منافع خودشان صورت می‌گیرد، نه دفاع از امنیت منطقه.»

وی با اعلام این که مسئولیت حفظ امنیت در منطقه وظیفه کشورهای منطقه است، هرگونه وابستگی کویت را به آمریکا رد کرد و افزود: «ما هرگز به این نیروها یا هر نیروی دیگر، اجازه ورود به خاکمان را نخواهیم داد و آن‌ها تنها از روی اجساد ما می‌توانند وارد خاکمان شوند.» وزیر دفاع کویت سپس نیروهای واکنش سریع آمریکا را "شکست خورده" اعلام کرد: «تجربه حملهٔ نافرجام اعضای این نیرو به ایران، این نظریه را که این نیروها شکست خورده هستند، کاملاً تایید می‌کند.»^(۳۰)

۵۶۷

نشریه "الموقف العربی" چاپ قبرس، امروز در مقاله‌ای با اشاره به تسلط ایران بر ابتکار عمل در جنگ، نظر مقامات آمریکایی و اروپایی را دربارهٔ عملیات رمضان مورد بررسی قرار داده‌است. این نشریه با تشریح مراحل جنگ عراق با ایران، نوشته‌است: «اوضاع و احوال

کنونی نظامی دو طرف نسبت به گذشته فرق کرده‌است. عراق با عقب‌نشینی ذلت‌بار از خاک ایران به این نتیجه رسیده که توان تصرف ذره‌ای از خاک ایران را ندارد؛ ایران نیز با عقب راندن نیروهای عراقی از خاک کشورش احساس پیروزی می‌کند، لیکن ایران نیز در حملات اخیر خود به خاک عراق دریافته‌است که تصرف خاک عراق چندان هم آسان نیست. به دلیل همین تغییرات نظامی در دو کشور، اکنون تلاش‌های سیاسی برای حل و فصل اختلافات نسبت به ماه‌های گذشته پی‌آمدهای بهتری خواهد داشت.»

این نشریه در قسمت دیگری از مقاله خود به تشریح نظر مقامات امریکایی و اروپایی در مورد حملات اخیر ایران در داخل خاک عراق پرداخته‌است: «مقامات واشنگتن معتقدند که علی‌رغم این‌که ایران قسمتی از خاک عراق را تصرف کرده‌است، لیکن جنگ بصره در حد جنگ توپخانه و گلوله‌باران مواضع یکدیگر باقی خواهد ماند و نتایج نظامی قابل توجهی از آن حاصل نخواهد شد. ولی کارشناسان و مقامات اروپایی معتقدند که هدف جنگ بصره یک هدف سیاسی واقعی است؛ به این معنی که ایران قصد دارد خطوط تدارکاتی بصره را با کویت و پایتخت عراق قطع کند و بصره را به محاصره درآورد ضمن این‌که شاید لزومی به ورود به داخل شهر نیز نداشته باشد، با این حال از لحاظ سیاسی و روانی این عمل دولت عراق را شدیداً تحت فشار قرار خواهد داد.»^(۳۱)

۵۶۸

در حالی که پشتیبانی‌های سیاسی، نظامی و مالی فرانسه به عراق افزایش یافته‌است، خبرگزاری جمهوری اسلامی در گزارشی اعلام کرد که دولت فرانسه از بازپرداخت یک میلیارد دلار بدهی شرکت "یوریدیف" و بهره‌دیرکرد آن به ایران خودداری می‌کند.^(۳۲) در این باره وزارت امور اقتصادی و دارایی جمهوری اسلامی ایران با صدور اطلاعیه‌ای دادخواست ایران از دادگاه‌های فرانسه علیه کمیساریای انرژی اتمی این کشور را به تفصیل شرح داد.

در این اطلاعیه تاریخچه چگونگی انعقاد قرارداد بین حکومت سابق (حکومت محمدرضا پهلوی) و کمیساریای انرژی اتمی فرانسه و لغو این قرارداد پس از پیروزی انقلاب اسلامی آمده‌است، سپس به روند رسیدگی شکایت و دادگاه‌های فرانسه اشاره شده که با تبانی دولت این کشور و دادگاه‌ها علی‌رغم تعهد دولت فرانسه به تضمین بودن استرداد وام، دادگاه بازپرداخت وام را به چگونگی اوضاع سیاسی روابط دو کشور مرتبط دانسته‌است. اینک گزیده‌ای از این اطلاعیه:

«مفاد رأی دادگاه این است که چون پای دولت فرانسه به عنوان ضامن در میان است، وام دولت ایران به سازمان انرژی اتمی فرانسه ارتباط با روابط سیاسی آن دو دولت دارد و به سیاست خارجی دولت فرانسه و روابط بین‌المللی آن مربوط می‌شود و لذا رسیدگی به دعوی

ایران در صلاحیت دادگاه‌های فرانسه نمی‌باشد.

دولت فرانسه در این جریان نشان داد که کم‌ترین احترامی نه برای ضمانت خود قائل است و نه برای احکام دادگاه‌های کشور و نه استقلال این دادگاه‌ها به طوری که دیدیم دولت فرانسه با وجود شکسته شدن قطعی حکم توقیف وجوه متعلق به دولت ایران، حاضر به اجرای حکم دادگاه و پرداخت آن وجوه به دولت ایران نگردید و با این ترتیب نشان داد که کم‌ترین احترامی برای قوه قضائیه خود قایل نیست و با فشاری که بر دادگاه‌های ابتدایی و استیناف وارد آورد و آن‌ها را وادار نمود که به جای رسیدگی قضایی و صادر کردن احکامی که از نظر حقوقی و قضایی واجد ارزش و اعتبار باشد، به صادر نمودن آرای سیاسی دیکته شده مبادرت نمایند، نه تنها حرمت دستگاه قضایی کشور خویش را رعایت نکرد بلکه با وضوح تمام نشان داد که این دستگاه قضایی در مقابل قوه مجریه تا چه حد ضعیف است و خود پوچ بودن افسانه پرآوازه استقلال و بی‌طرفی قوه قضائیه فرانسه را عیان و آشکار ساخت و با این ترتیب معلوم شد افکار و عقاید نویسندگان و متفکرانی چون "ژان ژاک روسو" و "منتسکیو" را در موطن خود آن‌ها فقط بر روی صفحات کتاب‌های آن‌ها می‌توان مشاهده کرد:

جالب‌ترین مطالبی که از این به اصطلاح دادرسی و رسیدگی قضایی و لوایح و مدافعات دولت فرانسه عاید شد، بی‌اعتباری ضمانت دولت فرانسه و پای‌بند نبودن این دولت به انجام تعهدات خود می‌باشد. دولت فرانسه پرداخت بدهی‌های سازمان انرژی اتمی فرانسه از بابت وام مورد بحث را بدون قید و شرط ضمانت کرده‌است و حال که قسمتی از این بدهی از سازمان مذکور مطالبه می‌شود، دولت فرانسه مدعی می‌شود که سازمان انرژی اتمی فرانسه وام‌گیرنده حقیقی نبوده‌است و فقط به عنوان بازوی دولت فرانسه نسبت به اخذ وام اقدام کرده‌است و نقشی مستقل در این جریان نداشته و ندارد.

معنی این تعبیر آن است که وام‌گیرنده خود دولت فرانسه بوده، بدیهی است ضمانت یک نفر از خودش هیچ ارزش و اعتباری ندارد و مورد قبول هیچ کسی هم قرار نمی‌گیرد. ولی آنچه مسلم است آن است که دولت با چنین ادعا و تعبیری اقرار به کلاهبرداری می‌کند، زیرا معنای این ادعا آن است که سازمان انرژی اتمی فرانسه را که کسی جز دولت فرانسه نبوده، به عنوان شخص مستقل و جدای از خود معرفی کرده و با ضمانت ظاهری، دولت وقت ایران را فریب داده و از این راه به اخذ وام موفق شده‌است.^(۳۳)

ضمیمه گزارش ۵۵۴

ضمیمه: راوی قرارگاه کربلا. مباحث این جلسه را به طور کامل ضبط و گزارش کرده است که با تأمل در آن ترسیم نسبتاً دقیقی از جوانب مهم جنگ می‌توان دریافت و بخشی از این جلسه در این ضمیمه درج می‌شود:

محسن رضایی: «دیر جنبیدیم، اگر توانسته بودیم یک هفته زودتر عمل کنیم، این ۲ تیپ [روی نقشه به مراکز تجمعی از دشمن اشاره می‌کند] را هنوز به منطقه نیاورده بود. ... موفقیت ما در عملیات بیت‌المقدس این بود که دشمن تا بیاید در (حاشیه) کارون [محکم شود] ما او را زدیم، هی که آمد جدال کند، نتوانست، بر عکس این‌جا ما ...».

حسن باقری: «این‌جا ما بودیم که یک پا عقب افتادیم.»

محسن رضایی: «هر چی تلاش کردیم نتوانستیم جبران کنیم.»

حسن باقری: «مسئله همین مسئله سیاسی* بود که دو دلی آورد و ...»

محسن رضایی: «بله دودلی و این مسئله لبنان.** این را باید خدمت امام بگوییم.»

باز هم بحث نیروهای موجود و این که طی چه زمان‌بندی نیروی لازم برای عملیات وجود خواهد داشت و باز هم پیشنهادها و تدابیر مختلف درباره مقولات مختلف مرتبط با عملیات و این‌که چه باید کرد که دشمن فرصت آب‌اندازی و ایجاد استحکامات جدید در منطقه را نداشته باشد و در عین حال زمان لازم برای آمادگی کافی خودی نیز در نظر گرفته شود.

یک پیشنهاد، اجرای عملیات کوچک در همین منطقه بود و نیز راه‌حلی‌هایی که بررسی و جرح و تعدیل می‌شد و قوت‌ها و ضعف‌های هر حرکت ارزیابی می‌گردید. ضمن مباحث، یک موضوع مهم مورد توجه قرار گرفت و آن این‌که در هر برآورد نیرو، فقط یگان‌های سپاه بررسی می‌شدند و این‌که فعلاً چند گردان نیرو دارند تا چه زمانی نیروی جدید برای آن‌ها خواهد رسید ولی آمادگی کافی احراز خواهند کرد.

در این میان موضوع استعدادی که می‌توان از یگان‌های ارتش به کار گرفت، مطرح گردید. وقتی صیاد به شهدای کادر درجه‌دار ارتش اشاره کرد و تلویحاً مسئله بازسازی سریع آن یگان‌ها و در نتیجه دخالت یگان‌های ارتشی را در عملیات چند روز آینده منتفی خواند، یک بحث کارشناسی در این باره شروع شد:

محسن رضایی: «خب حالا چطور می‌شود از ارتش استفاده کنیم؟»

صیادشیرازی: «این‌ها هیچ وقت مثل نیروهای شما عقب نمی‌توانند بروند بازسازی کنند، این‌ها باید همه‌اش در خط باشند. الان که ما فرصت هم بگذاریم، فو‌قش چند روز می‌روند مرخصی و برمی‌گردند، فرصت این‌که بروند بازسازی و ... بشوند ندارند، در خط هستند.»

سپس درباره استعداد زر‌هی مکانیزه لشکرهای رزمی ۱۶ و ۹۲ ارتش - که در خطوط پدافندی مستقرند - و چگونگی استفاده از آن‌ها، گفت‌وگو می‌شد و بحث ادامه یافت.

محسن رضایی: «خب آقا لشکر ۲۱ پیاده ندارد؟»

حسن باقری: «چرا.»

محسن رضایی: «پیاده‌ای که در خط نباشد.»

حسن باقری: «چرا یک تیپ‌اش عقب است.»

محسن رضایی: «به نظر من آن را احتیاط بگذاریم.»

صیادشیرازی: «بگذاریم، ولی مشکل این است که نمی‌شود لشکر ۲۱ را خرجش کرد، اگر بخواهیم برای

* به نظر راوی، منظور حسن باقری از "مسئله سیاسی" که مدتی دودلی آورده است، همان بحث تصمیم‌گیری برای ادامه یا توقف جنگ بوده است.

** موضوع حضور نیروهای سپاه در لبنان به یاری جنبش مقاومت لبنان و علیه اسرائیل که بعداً با دخالت و صلاح‌دید امام خمینی، به صورت گسترده منتفی شد و به حضوری محدود صرفاً آموزشی اکتفا گردید.

آینده برنامه‌ای داشته باشیم؛ لشکر ۲۱ خیلی تلفات سنگینی داده است.»
 محسن رضایی: «خیلی تلفات و ضایعات داده است؟»
 صیادشیرازی: «عرض کنم حدود ۱۹۰۰ نفر خارج شدند در همین عملیات.»
 محسن رضایی: «مجروحین‌اش چقدر هست؟»
 صیاد: «مجروحین‌اش ۱۷۰۳ نفر.»
 محسن: «یعنی ۲۰۰ شهید و مقفودی دارد.»
 صیاد: «مقفود زیاد ندارد.»
 محسن: «چقدرش کادر بوده از ۲۰۰ نفر؟»
 صیاد: «کادرش؟ لشکر، ۸۶ نفر درجه‌دار دارد. و شهید ۵ نفر درجه‌دار و سه نفر افسر.»
 محسن: «یعنی این ۸ نفر شهید! خب... می‌گویم که حالا اگر شما اعتقاد ندارید به عملیات، خب نمی‌کنیم.»
 صیاد: «مسئله‌ای نیست، با هم صحبت می‌کنیم، روی منطق.»
 محسن: «آخر چطور ۸ نفر شهید دادند، نمی‌تواند تیپ احتیاط بیاورد؟!»
 صیاد: «موضوع ۸ نفر که نیست، ما هیچ جایگزینی که نداریم برای این نفراتی که مجروح و شهید می‌شوند، فقط سرباز مثلاً هست. که یک مقدار به آن‌ها می‌دهیم.»
 محسن: «این همه آموزش‌گاه درجه‌داری و نمی‌دانم سرهنگی و این‌ها چی هستند؟»
 صیاد: «یک مقدار معدودی دارد، بازدهی چیزی نیست، مثلاً ما ۲۸ نفر دانشجوی سال سوم تازه فارغ‌التحصیل داریم، بقیه‌اش رفت تا آبان یا دی ماه فارغ‌التحصیل شوند اصلاً ۲۰۰ نفر هم نیستند.»
 محسن: «من احساس می‌کنم تا ارتش توی این جنگ نباشد، احساس تعهد و خودجوشی کم‌تری دارد و باید ارتش حتماً ادغام بشود، یا کل طرح را ما اصلاً قبول نکنیم.»
 صیاد: «شما بعد از ۲۲ ماه جنگ...»
 محسن: «خب من می‌بینم شما نشستید کنار گود، هی... این که نمی‌شود! باید اظهارنظر بدهید، انتقاد بکنید، بگویید آقا جان، این‌ها درست نیست بگذاریم برای بعد، یا این‌ها کم هست و فلان بکنیم.»
 صیاد: «مگر نگفتیم؟ ما تا حالا پا به پا آمدیم جلو، عرض کنم مخالف هم بودیم یا قطع عملیات، گفتیم اگر شده همین طور خون بدهیم هی برویم جلو، باید برویم عملیات بکنیم، اما شما می‌گویید که یک تکه انجام بدهیم، برویم بعد یک ۱۵، ۲۰ روز دیگر. می‌گوییم خب اگر بخواهیم ۱۵، ۲۰ روز دیگر برویم توان را آماده بکنیم، یک دفعه دیگر آماده بشویم برای عملیات.»
 برادر محسن: «پس این را بگویید، آخه شما طوری صحبت می‌کنید که گویا ما بد دلیل آوردیم برایتان...»
 صیاد: «مگر من نگفتم...»
 محسن رضایی [با سردی خطاب به سپاهی‌های جلسه]: «... نمی‌خواهد آقا، به بچه‌ها بگویید بروند بازسازی کنند برای یک ماه آینده.»
 برادر صیاد: «شما ناراحت نشوید، این یک حقیقتی است. شما بعد از ۲۲ ماه جنگ می‌گویید اگر ارتش نجنگید، تعهد ندارد، چطور نجنگیده؟! چه کار بکند دیگر؟! چه انتظاری دارید؟!»
 برادر محسن: «نمی‌گوییم نجنگیده، من می‌گویم که اگر توی این‌ها [نیروهای عملیات آتی] ارتش نباشد، در مجموع...»
 برادر صیاد: «چرا نباشد؟ مگر ما گفتیم نباشد؟! هر حرکتی باشد، امکان ندارد ارتش نباشد.»
 برادر محسن: «خب برادر عزیز، من می‌گویم که توی این‌ها [نیروهای عملیات آتی] لااقل یک تیپ احتیاط از ارتش بگذارید. شما می‌گویید نه، لشکر ۲۱ توانش را از دست داده.»
 برادر صیاد: «خب چه کار بکنیم؟»
 برادر محسن: «یک طوری هم می‌گویید که همه در خط هستند و مثل این که حالا سپاه در خط نیست و

همه‌اش فقط در خط مانده‌اند!»

برادر صیاد: «شما مثل این‌که از این خرج می‌کنید که این جزء مایه حرکت نیست، این ... گویا این مهم نیست. شما [سپاه] وابسته‌اید به منبع لایزال مردم. سپاه که فقط تلفات نمی‌دهد. شما تعداد تلفات سپاه را در مقابل مردم حساب کنید.»

رشید: «تلفات سپاه مثل این است که سرگرد و سرهنگ و این‌ها بدهد. وقتی تیپ امام حسین (ع) ۴ تا تلفات می‌دهد، یعنی ۴ تا سرهنگ. اصلاً باید فرمانده گردان‌های شهید را بشمارید. رسول‌الله و امام حسین فقط ۷ نفر فرمانده گردان شهید دادند.»

صیاد: «برای ارتش هم حساب کنید.»

برادر محسن: «کی اصلاً فرمانده گردانی ما شهید داریم در ارتش؟!»

برادر صیاد: «یک جوان پاسدار در زمان کوتاهی استعدادش شکوفا می‌شود، اما یک ارتشی را باید طی دوره چند ماهه بگذارید ...»

رشید: «نه نه، در این تیپ امام حسین، این برادر پاسدار ما از عملیات دارخوئن تا الآن در جنگ بوده که یک فرمانده گردان شده.»

محسن: «مگر همین پاسدارها نباید این نیرو را ببرند تهاجم بکنند؟»

صیاد: «چرا.»

محسن: «این‌که تجربه دارند از اول جنگ بوده‌اند که این قدر خون [دل] خوردیم تا این‌ها را یکی‌یکی به فرمانده گروهانی و دسته و گردانی می‌رسند. ما اگر این‌ها را از بین ببریم، می‌توانیم یک پاسدار دیگری که مثلاً آن‌جا (دور از جبهه) است، دو سال هم گذشته بیاوریم بگذاریم بالای سر یک گردان؟!»

صیاد: «فعلاً راه این است. یعنی ما همه‌مان این طوری باید از بین برویم.»

محسن: «باز بحث‌های کلی را می‌گویید این شعار که بله درست است، ما تا آخرین قطره خون باید همه از بین برویم. این‌که بحثی نیست؟»

صیاد: «بعد ببینید نسبت چطور هست، ما الآن تنها این ۱۰ هزار شهیدی که تا حالا از جنگ تحمیلی ارتش داده، همین قدر وسعش بوده بدهد، بیش‌تر دیگر نمی‌تواند.»

محسن: «بحثی نداریم، من می‌گویم اگر ادغام باشد، می‌شود یک کاری کرد.»

صیاد: «مگر ما گفتیم ادغام نباشد؟! خب بکنیم.»

محسن: «خب شما می‌گویید که لشکر ۷۷ همه در خط هستند و باید بروند.»

صیاد: «تمام عملیات‌ها تا حالا دفاعی بوده، تازه یکی دوتا است که ضربتی دارد انجام می‌شود. تا حالا تا عملیات‌ها ادغامی بوده، عملیات چهارم مگر ادغامی نبود؟ در این عملیات مگر نصر ادغامی شرکت نکرد؟! همه‌اش ادغامی بوده، منتها الآن ما به کیفیت‌ها می‌بینیم اعتماد نیست، به این‌که این برود مثلث را بگیرد اعتماد نیست، داریم می‌گوییم تیپ امام حسین برود بگیرد.»

رشید: «غیر از مرحله اول و این شلمچه، ادغامی نبود، هیچ کدام ادغامی نبود.»

برادر صیاد: «تا حالا ادغامی نبود؟!»

رشید: «نه دیگر، بعدش ادغامی نبوده جناب سرهنگ، مرحله سوم و چهارم ادغامی نبوده، خب ببینید ...»

صیاد: «نه، قبل از این عملیات را می‌گویم. بیت‌المقدس و فتح‌المبین، برویم برگردیم به گذشته.»

رشید: «خدا خیرت بدهد، من این مراحل عملیات رمضان را می‌گویم.»

صیاد: «در این‌جا چرا این کار را کردیم؟ [شرکت ندادن یگان‌های ارتش در بعضی عملیات] فکر کردید مثلاً گذشت کردیم بهشان؟ اعتماد نبوده به موفقیت این‌ها، اعتماد به موفقیت نبوده؛ برای همین گفتیم تیپ امام حسین (ع) بیاید از این طرف عمل کند و نجف هم از آن طرف. اگر اعتماد دارید، برویم بکنید.»

رشید: «اعتماد نداریم به چی؟»

صیاد: «اعتماد نیست به این که این کار درست انجام بشود. [بعد از مباحثی ...] در خود سپاه هم کیفیت تیپ‌ها فرق می‌کنند [مثلاً] لشکر امام حسین و نجف جاهایی می‌رفتند و می‌توانند بروند که عاشورا نمی‌رود و نمی‌رفت.»^(۳۴)

ضمیمه گزارش ۵۵۴

امروز در حاشیه روند تصمیم‌گیری برای چگونگی ادامه عملیات در شرق بصره و پس از گذشت ساعتی از شروع مباحث مربوطه، (حدود ۹ صبح) در قرارگاه کربلا طرح اولیه و کلی استفاده از هور برای رفع بن‌بست منطقه شرق بصره در ذهن فرماندهی کل سپاه پدید آمد و سپس تا جایی جدی شد که وی جلسه مشترک با صیاد در ساعت ۱۱ را به ساعت ۱۴ موکول کرد و همچنین برای بار دوم جلسه شورای عالی دفاع در تهران به تعویق افتاد تا فرمانده سپاه بتواند به همراه یکی دو نفر از فرماندهان اصلی سپاه - که مشاوران اصلی وی هستند - خود به هور برود و با اوضاع آن منطقه آشنایی کلی پیدا کند تا شاید راهی باز شود. البته دقایقی قبل از حرکت طرح عمل در سه مثلث و سپس ادامه حرکت بعد از ۲۰ روز تقریباً مورد اتفاق نظر قرار گرفته بود و قرار شده بود در ساعت ۱۱، جلسه مشترک فرمانده نیروی زمینی با ارتش برای قطعیت یافتن همین امر، ادامه یابد، اما ابهامات عدیده موجود سبب تلاش برای یافتن راه‌کارهای دیگری نیز گردید.

موضوع هور ضمن بحث‌های حاشیه‌ای پس از تصمیم‌گیری برای عمل در سه مثلث، چنین مطرح گردید: محسن رضایی: «دشمن در این منطقه زودتر از ما ابتکار عمل را دست گرفته و از ما جلوتر است. آن قدر با میادین مین و ... بغل به بغل به هم چسبیده که حتی یک نفر را نمی‌توانیم برای شناسایی پشت خطوط اول دشمن از وسط آن‌ها عبور بدهیم.» وی سپس از حسن باقری پرسید: «تا حالا فرستاده‌اید کسی را؟» باقری: «نه، نمی‌شود.»

محسن رضایی: «با این همه اگر بخواهیم از هور تا شلمچه، جایی عمل کنیم، هیچ راهی جز از همین جا نداریم ولی در عین حال اگر هم شما (صیاد و فرماندهان ارتش) به توافق رسیدید که پس از یک هفته این‌جا را عمل کنیم، قبل از این عمل بایستی با شناسایی‌های خود یک جواب قاطع و تعیین کننده درباره عمل در هور و عبور از ارونند برای ما به دست بیاید.»^(۳۵)

محسن در ذهن، در پی راه‌حلی بود که از طریق شمال یا جنوب منطقه شرق بصره بتواند بن‌بست موجود را بگشاید و بر پیچیدگی منطقه عملیات کنونی فائق آید. این فکری اولیه و کلی اما جدی بود، از این رو آقای رضایی در ادامه مذاکرات پراکنده، به وسیله حسن باقری با قرارگاه قدس - که منطقه هور و قسمت شمال منطقه عملیاتی شرق بصره، منطقه حوزه مأموریت آن محسوب می‌شد - تماس گرفت و احمد غلامپور فرمانده قرارگاه قدس (سپاه) را جست‌وجو کرد و به اجبار قرار ساعت ۱۱ با صیاد را به ساعت ۱۴ و قرار جلسه شورای عالی دفاع را به فردا موکول کرد* و به اتفاق رحیم صفوی و غلامعلی رشید و حسن باقری راهی قرارگاه قدس شد.

در قرارگاه قدس، نیروهای اطلاعاتی این قرارگاه توضیحاتی درباره هور و افراد بومی که به عراق رفت و آمد دارند و راه‌های تردد نیروهای شناسایی و ویژگی‌های منطقه ارائه دادند؛ از جمله این که خط مرزی ایران و عراق از وسط هور می‌گذرد و در بعضی نقاط با شبکه‌هایی این خط مرزی مشخص گردیده است. در گزارش‌ها همچنین مشخص بود که "شط علی" منطقه‌ای واقع در هور، حدود ۷ کیلومتری خط مرزی،

* این دومین باری بود که به دلیل عدم نتیجه قطعی و نهایی، حرکت برادران رضایی و صیاد شیرازی برای شرکت در جلسه شورای عالی دفاع دچار تأخیر می‌شد و در نتیجه جلسه مزبور به تأخیر می‌افتاد.

مرکز عمده اعزام نیروهای شناسایی به هور و مقر بازگشت آنان است. محسن رضایی گفت: «من شط علی رفته‌ام، جاده دارد، بعضاً باید از توی آب عبور کرد اما به خاطر تردد زیاد زمین محکم شده و به راحتی قابل عبور است.» قرار شد محسن رضایی به شط علی برود و از آن‌جا به موازات خط مرز، به سمت جنوب و سه راهی کوشک (حدود ۴۰ کیلومتر مسافت در حاشیه دژ مرزی و خاکریزهای آن) منطقه را بازدید و بررسی کند. قرار شد از اطلاعات قرارگاه قدس یک راهنما هم به جمع همراهان محسن اضافه شود.^(۳۶)

ابتدا قرار شد به دلیل دوری راه و کمبود فرصت، گروه با هلی‌کوپتر به "شط علی" برود اما وقتی رحیم صفوی با صیاد شیرازی تلفنی گفت‌وگو کرد تا زمان جلسه مشترک را از ۲ بعدازظهر به ۹ شب تغییر دهد، صیاد توصیه کرد از هلی‌کوپتر استفاده نشود. وی توضیح داد که میگ‌های عراق در پروازند و احتمال خطر داشت.

به این ترتیب و به ضرورت، منطقه مورد نظر به دو قسمت تقسیم شد و گروه نیز به دو دسته تقسیم شدند: محسن به اتفاق حسن باقری و مسئول اطلاعات عملیات قدس در یک خودرو راهی شط علی شدند تا از آن‌جا به سمت جنوب در نوار مرزی ادامه حرکت بدهند و رحیم و رشید نیز در گروه دیگر قرار گرفتند، تا به سمت منطقه کوشک تا طلایه بروند.

در بخشی از گزارش (صوتی) راوی قرارگاه کربلا - (که هم‌زمان با وقایع روی نوار کاست ضبط شده - ادامه این سیر چنین آمده است):*

محسن رضایی: «دوربین و نقشه را بدهید بیاورند، اسلحه هم بیاورید چون ممکن است شط ناپاک باشد. بعد هم، همه‌مان که توی این ماشین جا نمی‌گیریم، ماشین دیگری ندارید؟ راهنما: ماشین‌ها همه رفته‌اند، یک پاترول هست که پنجر است.

محسن: این ماشین بی‌سیم‌دار مال کیه؟

راهنمای اعزامی: فکر کنم مال احمد [غلامپور] باشد، اما دوربین پایه‌اش بزرگ است که در عقب آن جا نمی‌گیرد.

محسن: خب پس برویم، تعدادمان همین‌ها هستند؟

راوی: حسن باقری همراه ما آمد و رشید و رحیم با هم رفتند. محمدزاده از اطلاعات عملیات قرارگاه قدس هم به عنوان راهنما با ما آمده است. دوربینی که صحبت آن بود، یک پایه زمخت و بی‌قواره دارد که خود بچه‌ها برای آن درست کرده‌اند از لوله‌های آهنی و پیچی‌های کج و کوله و کت کلفتی درست شده است که عقب ماشین را تنگ کرده. خود دوربین بسیار بزرگ و مجهز است. و خیلی مدرن که با این سه پایه‌ای که بچه‌ها برای آن درست کردند، یک وصله ناجوری را نسبت به هم نشان می‌دهد.

بعد از بحث‌های ۲، ۳ روزه مفصل و سرگیجه‌های مداومی که روی عملیات وجود داشت و ... و با گرهی که در منطقه به وجود آمد، لازم شد که ۲ بار پشت سر هم جلسه شورای عالی دفاع عقب بیفتد و برادر محسن در قرارگاه کربلا بماند برای بحث درباره این‌که چه بکنند و حالا هم کشیده شدیم کلاً به منطقه شمالی، شمال منطقه شرق بصره و شرق هورالعظیم. برادر محسن می‌خواهد برود آن‌جا کار کند و پرس‌وجو کند. منطقه‌ای که هیچ وقت صحبت از آن نبود و همیشه آن‌جا را به صورت بن‌بست مطرح می‌کردند. منطقه‌ای که قبلاً به عنوان قفل و بن‌بست مطرح می‌شد، الآن می‌روند که از آن اطلاعات به‌دست بیاورند و ببینند که آیا گشایشی از این طرف حاصل می‌شود؟.

...

* تمام مطالبی که از این پس در این ضمیمه می‌آید، همان روز ۱۳۶۱/۵/۱۱، عیناً روی نوار ضبط شده است، چه مطالب فرماندهان و چه مطالبی که راوی به عنوان جمع‌بندی و توضیح ارائه می‌کند، تنها تغییر داده شده در این‌جا، حذف بخشی از مطالب است که، عمدتاً به ضرورت رعایت اختصار، می‌باشد.

ساعت ۱۲:۶ دقیقه است که ما از جاده اهواز در ۸۰ کیلومتری خرمشهر می‌پیچیم به طرف یک جاده فرعی آسفالت به طرف غرب جاده، یعنی وقتی به طرف اهواز می‌رفتیم پیچیدیم دست چپ توی یک جاده فرعی آسفالت که در ابتدای جاده تأسیسات نظامی زیادی - که همان پادگان معروف حمید است - به چشم می‌خورد که منفجر شده و منهدم شده و از بین رفته است. و خط آهن منفجر شده‌ای که دوباره داشتند بازسازی می‌کردند و در معبر جاده یک تابلویی بود که روی آن نوشته‌اند: "با نابودی رژیم بعث عراق، جنگ رسمی ما با اسرائیل شروع خواهد شد."

...

ساعت ۱۲:۱۴ دقیقه است و باز روی آن جاده آسفالت داریم می‌رویم و سمت چپ‌مان یک مقر، چند تا سنگر و یک قرارگاه بزرگ است و تعدادی خودرو و تانکر آب و اتاقک‌ها و سنگرهایی وجود دارد و در گرمای ظهر تک و توک آدم‌ها پیدا می‌شوند که در حال رفت و آمد هستند، بقیه در زیرزمین و توی سنگرها هستند. اگر این یکی دو نفر هم نبودند، هیچ اثری از حیات مشاهده نمی‌شد. گرمای شدید و وضعیت خاص منطقه در روز، حالت خاصی به قرارگاه‌ها می‌دهد، یعنی علاوه بر ضرورت حفظ مسائل امنیتی که می‌روند توی سنگرها، برای فرار از گرمای سطح زمین نیز، هر کسی سعی می‌کند که خودش را از گرمای سطح زمین دور بکند. این منطقه که دست عراق بوده، قبلاً با عملیات بیت‌المقدس آزاد شده است و جاده‌هایی آسفالت و شوسه و جاده‌های تدارکاتی و نقل و انتقالات خوبی دارد که عراق احداث کرده است.

...

ساعت ۱۲:۲۰ دقیقه است، ما در جعفر هستیم، تعدادی ساختمان خراب هست و چند تا خودرو سوخته

...

...راه‌مان را به طرف کوشک از جعفر ادامه می‌دهیم. در ماشین، حسن باقری راننده، دو محافظ برادر محسن، مسئول اطلاعات عملیات قدس و خود محسن رضایی هستند.

...

ساعت ۱۲ و نیم است. رسیدیم به یک پاسگاهی که ویران شده بود ولی جنبه اتاقک حلبی مجدداً زده‌اند این‌جا پاسگاه مرزی "شهابی" است. از پاسگاه شهابی روی جاده آسفالت عبور می‌کنیم.

...

این‌جا چند تپه بلند و دیده‌بانی ساخته‌اند که از آن‌جا تردد دشمن را می‌توانند ببینند. جاده‌ای که روی آن داریم می‌رویم، با یک خاکریز مسدود شده است، خاکریزی که بر آن جاده عمود است و خاکریز بسیار بلندی است که در حقیقت دژ ماست.

...

پشت خاکریز در وسیله خودمان در حالی که خاکریز بین ما و دشمن فاصله هست، به طرف غرب می‌رویم.

...ساعت ۱۲:۴۰ دقیقه است، ما در جاده‌ای که ۴۰ و ۵۰ متر با خاکریز فاصله دارد و به موازات آن است، داریم به سمت غرب به سوی دیواره شرقی هورالعظیم پیش می‌رویم.

...

ساعت ۱۰ دقیقه به یک است، اختلاف نظر پیش آمده که واقعاً ما داریم به طرف غرب می‌رویم، به خاطر این‌که خاکریز هی پیچ و تاب خورده بود و جاده به موازات آن هم تقریباً همین طور، جهت از دست‌مان در رفته بود.

حسن باقری از ماشین پیاده شد و رفت قطب‌نما را نگاه کرد، آمد گفت: بله... الان داریم می‌رویم که به سیل بند دوم شرق هورالعظیم برسیم.

محسن: بگویید چند نفر از بچه‌های سپاه هستیم می‌خواهیم برویم بالا شناسایی کنیم، مواظب باشید.

لااقل خود بچه‌ها ما را زنند، شما بپرید پایین به آن‌ها بگویید، فقط نگو کی هستند. راوی: برادری که از اطلاعات قدس همراه ما آمده است، پیاده شد، چون که خطوط خیلی نزدیک است و برای این که یک وقت نیروهای خودی ما را اشتباهاً با گشتی‌های دشمن عوضی نگیرند و زنند، برادر محسن به آن فرد اطلاعاتی گفت که برو بگو که ما داریم برای شناسایی می‌رویم.

... حسن باقری: این الآن انتهایش به کجا می‌خورد؟
راهنما: می‌رود تا پاسگاه کیان‌دشت اما کسی از این جا نمی‌رود، باید از یک جاده آسفالت برویم که روی نقشه هم مشخص نیست.

محسن: آقا، ما می‌خواهیم آب هور را ببینیم.
راهنما: بله اگر می‌خواهید آب را ببینید، پس برویم جلوتر.
محسن: بله اگر برویم از این جا، چی می‌شود؟
راهنما: می‌رویم دیگر، می‌رویم برای آن پاسگاه شط‌علی، توی این ۸ کیلومتری که الآن خالی هست، می‌رویم، نیرو هم نیست.

راوی: سنگ‌هایی که هر ۱۰۰ متر، ۵۰ متر وجود داشت و یکی دو سرباز تویش بود، الآن تمام می‌شود و در حاشیه این سیل‌بند جاهایی را به جای سنگ می‌بینیم که چال کردند ولی سنگ آماده نشده.
محسن: یعنی این جا را مین‌گذاری کردند؟

راهنما: مین احتمالش که هست ولی [مشکل دیگر این است که] ممکن است آن وسط‌ها را بریده باشند که یک دفعه برویم داخلش.

محسن: ما الآن یک جاده می‌خواهیم که برویم جلوتر، ما باید جلوتر از این برویم، مسئله ما همین جاست. حسن باقری: خب برویم، اما حالا ما خودمان هم می‌توانیم بیاییم جلو برویم [منظور انجام شناسایی بدون حضور محسن است].

راهنما: خب ما می‌رویم یک شناسایی می‌کنیم بعد که آماده شد، به شما می‌گوییم.
باقری: [خطاب به فرد اطلاعاتی که ضرورت سرعت کار] یعنی فردا صبح باید این قضیه انجام بشود.
راوی: ... به هر حال برادر محسن گفت پس برویم بالای سیل‌بند، یعنی بالای همان جاده بلندی که نقش خاکریز را داشت و در واقع خط مقدم بود. گفت از روی آن برویم. حسن باقری به برادر محسن گفت که این کار درستی نیست، باید قبلاً کس‌های دیگر بروند یک چیزی به‌دست بیاید بعداً اگر خواستید، شما بروید. برادر حسن گفت ما می‌رویم و بعداً شما بیایید. برادر اطلاعاتی: ما گروه‌های شناسایی می‌فرستیم و گزارش می‌دهیم، اگر خواستید شما بروید. در آخر برادر محسن قبول کرد که برگردد و ماشین دور زد و برگشت.

توجه: ...

راوی: ساعت یک و نیم بعدازظهر است. ما از سه راهی که دست راستش به جفیر می‌خورد، رد شدیم ولی طرف جفیر نیپچیدیم و به طرف مرز آمدیم که برویم پاسگاه کیان‌دشت و از آن جا برویم پاسگاه شط‌علی. جاده هم‌چنان آسفالت است، یعنی در وسط این بر بیابان، عراق کیلومترها جاده آسفالت خیلی خوب زده.

...

ساعت ۲۰ دقیقه به ۱۴ است، چند دقیقه است که از پاسگاه ژاندارمری "برزگر" رد شدیم و داریم به طرف پاسگاه کیان‌دشت می‌رویم و جاده هم‌چنان آسفالت و خوب است. سمت راست‌مان الآن به یک جاده آسفالت رسیده‌ایم که منشعب می‌شد و حسن باقری گفت این جاده به قرارگاه لشکر ۶ عراق می‌خورد ... گفته بودند که چند کیلومتر بعد از این، دست چپ یک جاده خاکی هست باید بیچید که البته از آن رد شدیم، ولی بعداً متوجه شدیم که زیاد رفته‌ایم، دور زدیم و آمدیم و جاده خاکی را پیدا کردیم و بیچیدیم تو جاده خاکی. بیابان در اندر دشت و بی‌سر و تهی هست که این جاده خاکی فقط به خاطر

این که تعدادی خودرو در آن رفت و آمد کرده، اسمش شده است جاده، وگرنه هیچ ساختی برای آن انجام نگرفته، پر دست انداز و پر پیچ خم تو دشت صافی است که تپه‌های خار در آن دیده می‌شود.

ساعت ۲ بعدازظهر است، از توی جاده خاکی تا پاسگاه ژاندارمری جلو آمدیم؛ از آن‌جا پرسیدیم ما را راهنمایی کردند به یک جاده خاکی که خیلی خراب‌تر از جاده اولی بود که در واقع بیابانی برهوت و یک دست است که در آن پیش می‌رویم. ...

به امتداد همان سیل‌بندی می‌رسیم که ساعتی قبل می‌خواستیم رویش بیاییم که بچه‌ها صلاح ندانستند. با مسافتی که جلو رفتیم و برگشتیم، حالا با گذشتن از جاده‌ها و پاسگاه‌هایی که گفتیم از روی همان سیل‌بند که سیل‌بند دوم است که در شرق هور می‌باشد، می‌گذریم و این‌جا از روی سیل‌بند که رد شدیم، متوجه شدیم که نظر برادر اطلاعاتی درست بوده است و من نگاه کردم دیدم که به فاصله هر ۱۰۰ متر سیل‌بند را در عرض بریده‌اند که روی سیل‌بند امکان رانندگی و عبور خودرو و وجود نداشته باشد!

...

ساعت ۱۴ و ۱۴ دقیقه است بعد از مدتی که توی بیابان بی‌آب و علف جلو رفتیم، برادر محسن گفت: کجا داریم می‌رویم؟ شرقی غربی یا شمال جنوبی؟ کجا می‌رویم؟

برادر اطلاعات: بگذار قطب‌نما را ببینیم.

برادر محسن: قطب‌نما که فایده ندارد.

برادر اطلاعاتی: که حالا آن ماشین را گم نکنیم فعلاً.

راوی: یک ماشینی که گرد و خاکش از دور پیداست دارد روی جاده می‌رود. یکی گفت که "خب شاید آن ماشین دارد نزد عراقی‌ها می‌رود!" به هر حال با تردید در صحت راه، هم‌چنان به پیمودن راه ادامه می‌دهیم.

...

ساعت ۱۴ و ۴۵ دقیقه است، شط علی هستیم، چند نفر از بچه‌های عرب ایرانی این‌جا هستند. یکی از بچه‌های اطلاعات عملیات قدس راجع به کارهایی که با هم‌کاران عراقی‌اش انجام می‌دهد، با برادر محسن مشغول صحبت می‌شود و حالا در منطقه هورالعظیم هستیم.

راوی: [هنگام مراجعت گروه از شط علی] انتهای یک جاده خاکی، ساعت ۲ و نیم بعدازظهر بود که به یک پاسگاهمانندی رسیدیم؛ یک بی‌سیم کوچک رویش بود و دست بچه‌های سپاه بود. یک باریکه‌ای از آب که قایق موتوری می‌توانست تویش حرکت بکند، از انشعابات هور جلو آن وجود داشت که یک سایبان حصیری لب آن زده بودند. وقتی زیر آن سایبان می‌نشستی لب آب، گرمای هوا را کم‌تر احساس می‌کردی. چند نفر عرب آن‌جا نشسته بودند؛ من پرسیدم این‌ها عراقی‌اند؟ گفتند نه، این‌ها ایرانی هستند. چند نفر از بچه‌های سپاه آن‌جا بودند. نماز خواندیم قبل از این که نهار بخوریم، ظاهراً نهاری است که برای قرارگاه‌های سپاه می‌برند.

این‌جا، از این نقطه، اگر چند کیلومتر به طرف غرب حرکت بکنیم و بعد حدود ۲۰ کیلومتر به طرف جنوب حرکت کنیم، به خشکی هورالعظیم می‌رسیم.

...

یکی از بچه‌های سپاه که آن‌جا با رابطین عراقی کار می‌کرد، با ۴ نفر که رفته بودند برای شناسایی منطقه، قرار ملاقات داشت.

دیروز قرار بوده که بیایند در منطقه‌ای که آن‌ها قرار بود از آن‌جا برگردند به ایران. آتش‌سوزی عظیمی را عراق در نیزارها راه انداخته و تمام منطقه را به آتش کشیده است. این بچه‌ها احتمال می‌دادند که آن ۴ نفر از برادرهای ما که با قایق از لابه‌لای نیزارهای هور و جاهایی که تا زانو توی گل فرو می‌رود که در آن‌جا قایق را باید به دوش بکشند، آن ۴ نفر سوخته باشند توی آتش. آتش خیلی شدید و عظیم بوده و باد می‌آمد و الآن دو قایق موتوری از توی نیزارهایی که آن‌جا بود، راه افتادند که بروند به یک نقطه‌ای که

به آن چهار راه می‌گفتند؛ یک نقطه‌ای که یکی از کانال‌های هور می‌خورد به خط مرزی ما که وسط هور است. همیشه وقتی رفت و آمد می‌کنند علامتی آن‌جا می‌گذارند. رفتند ببینید که آیا دیروز آن‌ها مراجعت کرده‌اند و آیا موقع رفتن علامتی گذاشته‌اند که اگر این طور باشد، معلوم می‌شود یا توی آتش سوخته‌اند و یا این‌که اصلاً مراجعت نکرده‌اند. به هر حال در فکر این بودند که ۴ نفر دیگر را پیدا کنند که بتوانند کارهای آن‌ها را انجام بدهند.

... برادر محسن گفت که این نقطه جای مناسبی نیست برای کار کردن، زیرا این‌جا حدود ۲۴ کیلومتر تا خشکی هور فاصله دارد. ولی صحبت یک جایی بود که از خشکی طرف ما تا خشکی وسط هور ۷ کیلومتر فاصله دارد و برادر محسن معتقد بود که آن‌جاها شناسایی بشود که گفتند تا سه چهار کیلومتری‌اش را می‌شود با قایق بروی، ولی از سه، چهار کیلومتری بعدیش را نمی‌شود و گل می‌باشد که برادر محسن گفت شاید بشود چیزهایی روی زمین پچینیم که بشود از رویش عبور کرد و یا راه‌های دیگر. به هر حال قرار شد که بررسی کنند.

یک جوان سپاه چهره عرب آن‌جا بود که سلام و علیک کرد. یک نفر گفت که او پسر همان سلمان است که روی مین رفت و شهید شد. موضوع این بود که سلمان یکی از عرب‌های منطقه بود، وقتی که عراقی‌ها منطقه را در اشغال داشتند، او جاده‌ها را مین‌گذاری می‌کرد که عراقی‌ها به راحتی نتوانند رفت و آمد کنند. در یکی از همین مین‌گذاری‌ها وقتی یک جایی گل بود، پای خودش رفت روی مین و شهید شد. حالا پسرش با سپاه همکاری می‌کند و همین الان جزء نفراتی بود که با قایق داشتند می‌رفتند ببینند سر آن چهار نفر چه بلایی آمده است. نکته جالب دیگر این‌که حسن باقری پرسید: آیا به این‌ها از نظر مالی خوب می‌رسید یا نه؟ او گفت: نه، این‌ها افتخاری کار می‌کنند.

راوی: ساعت ۱۷:۲۰ دقیقه است، روز ۱۳۶۱/۵/۱۱، به مقر لشکر ۶ عراق آمدم و چون قرار شده بود ساعت ۵ سرهنگ صیادشیرازی در مقر تیپ ۳ بیاید، ما هم آمدم آن‌جا را پیدا کردیم و الان در مقر تیپ ۳ هستیم. الان برادر رشید هم رسید و دارد با برادر محسن صحبت می‌کند. رشید گزارش خودش و برادر رحیم را که از خطوط پدافندی خودی در شمال منطقه از جمله خطوط لشکر ۱۶ زرهی قزوین بازدید کرده‌اند، به برادر محسن می‌دهد ... چون کسی آمد (چای و شربت آورد)، حسن باقری گفت دیگر بحث نشود.

برادر محسن: شربت را می‌خوریم و می‌رویم قرارگاه کربلا.

آپایان گزارش (صوتی) لحظه به لحظه راوی قرارگاه کربلا در تاریخ ۱۳۶۱/۵/۱۱^(۳۷)

در عمل، هر چند بررسی هور گرهی از عملیات رمضان باز نکرد اما این توجه و حرکت باعث شد تا در ادامه کار، طرح عملیات خیبر - که عمل ابتکاری استفاده از هور در عملیات همراه با پنهان‌کاری و رعایت حفاظت اطلاعات شدید، ویژگی اصلی آن بود - شکل بگیرد و جنبه اجرایی و عملی پیدا کند.

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۶۱/۵/۱۱

- ۱- جلسه فرماندهان قرارگاه کربلا، ۱۳۶۱/۵/۱۱، نوار شماره ۶۸۰۷۵، راوی: هادی نخعی.
- ۲- جلسه فرماندهان قرارگاه کربلا، ۱۳۶۱/۵/۱۱، نوار شماره ۶۹۹۰، راوی: هادی نخعی.
- ۳- جلسه فرماندهان قرارگاه کربلا، ۱۳۶۱/۵/۱۱، نوار شماره ۶۹۹۲، راوی: هادی نخعی.
- ۴- جلسه فرماندهان قرارگاه کربلا، ۱۳۶۱/۵/۱۱، نوار شماره ۶۹۹۳، راوی: هادی نخعی.
- ۵- سند شماره ۱۶۶۳۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش نوبه‌ای اطلاعاتی شماره ۵۶۶، قرارگاه عملیاتی کربلا در جنوب (رکن ۲)، ۱۳۶۱/۵/۱۹، ص ۱.
- ۶- سند شماره ۱۶۵۷۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش نوبه‌ای شماره ۷۵، از قرارگاه مرکزی سپاه - اطلاعات عملیات، ۱۳۶۱/۵/۲۱، ص ۴.
- ۷- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۵/۱۳، ص ۲، به نقل از فرمانده نیروی زمینی ارتش.
- ۸- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۵/۱۱، ص ۱۹، آبادان - به نقل از خبرنگار جمهوری اسلامی، به نقل از یکی از فرماندهان نیروهای زرهی سپاه پاسداران.
- ۹- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۵/۱۲، ص ۲، آبادان - خبرنگار جمهوری اسلامی.
- ۱۰- سند شماره ۱۶۵۴۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: استانداری خوزستان، از کمیته انقلاب اسلامی "نهر بچاچه"، به بخش‌داری اروندکنار، ۱۳۶۱/۵/۹.
- ۱۱- سند شماره ۱۶۶۰۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش نوبه‌ای اطلاعات، شماره ۱۳۸-۱۲۴، ستاد مشترک ارتش، (اداره دوم) فرماندهی اطلاعات، ۱۳۶۱/۵/۱۴، ص ۱۶، و: سند شماره ۱۶۵۸۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش نوبه‌ای اطلاعاتی شماره ۱۳۶-۱۲۰، ستاد مشترک ارتش - فرماندهی اطلاعات (اداره دوم)، ۱۳۶۱/۵/۱۲، ص ۱۲.
- ۱۲- پیشین، مأخذ دوم.
- ۱۳- سند شماره ۱۶۶۸۵ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش نوبه‌ای اطلاعاتی شماره ۱۴۷، قرارگاه عملیاتی فتح - رکن ۲، ۱۳۶۱/۵/۲۶، ص ۲.
- ۱۴- سند شماره ۱۶۶۶۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش نوبه‌ای شماره ۱۴۷، ستاد مشترک ارتش - اداره دوم، ۱۳۶۱/۵/۲۳، ص ۱۲.
- ۱۵- مأخذ ۶، ص ۳.
- ۱۶- سند شماره ۲۱۳۹۲۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: منابع سیاسی خارجی، ۱۳۶۱/۵/۱۱، ص ۲.
- ۱۷- مأخذ ۷، به نقل از واحد مرکزی خبر - باختران؛ و: مأخذ ۹، به نقل از واحد مرکزی خبر- سنده.
- ۱۸- روزنامه کیهان، ۱۳۶۱/۵/۱۲، ص ۱۸، به نقل از خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی.
- ۱۹- سند شماره ۰۶۵۰۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از اداره مرکزی اطلاعات و بررسی‌های سیاسی - تأمین، به واحد اطلاعات و بررسی‌های سیاسی - تأمین، شماره ۷۲، ۱۳۶۱/۵/۱۱.
- ۲۰- روزنامه کیهان، ۱۳۶۱/۵/۱۱، ص ۱۵، شیراز.
- ۲۱- پیشین، به نقل از روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خرم آباد.
- ۲۲- مأخذ ۱۸، ص ۱۷، واحد مرکزی خبر، به نقل از خبرگزاری فرانسه.
- ۲۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۳۶، ۱۳۶۱/۵/۱۲، ص ۲۰، رادیو لندن، ۱۳۶۱/۵/۱۱.
- ۲۴- مأخذ ۲۰، ص ۱۶، تهران - خبرگزاری جمهوری اسلامی، به نقل از فرانس پرس از بلگراد، به نقل از یک روزنامه معتبر یوگسلاوی.
- ۲۵- مأخذ ۲۰، ص ۱۶، به نقل از خبرگزاری هندی "یوان‌ای".
- ۲۶- مأخذ ۴، ص ۲۲، به نقل از ناظران سیاسی در اسلام‌آباد.
- ۲۷- مأخذ ۲۳، ص ۱۴، خبرگزاری جمهوری اسلامی، به نقل از خبرگزاری عراق در بغداد، ۱۳۶۱/۵/۱۱، به نقل از رئیس‌جمهور رومانی.
- ۲۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۳۷، ۱۳۶۱/۵/۱۳، ص ۵، تهران - خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۵/۱۲.
- ۲۹- مأخذ ۲۰، ص ۲، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی از برلین.
- ۳۰- مأخذ ۱۸، ص آخر، کویت - خبرگزاری جمهوری اسلامی، به نقل از یک مجله چاپ عربستان سعودی، به نقل از وزیر دفاع کویت.
- ۳۱- اداره کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، "بررسی مطبوعات جهان"، شماره ۲۲۸، ۱۳۶۱/۶/۴، ص ۱۴، از نشریه "الموقف العربی" چاپ قبرس، ۱۳۶۱/۵/۱۱، به قلم طارق سلامه.
- ۳۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۳۱، ۱۳۶۱/۵/۷، ص ۱۳، پاریس - خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۵/۶، به نقل از دولت فرانسه.
- ۳۳- مأخذ ۲۰، ص ۱۴.
- ۳۴- جلسه فرماندهان قرارگاه کربلا، ۱۳۶۱/۵/۱۱، نوار شماره ۶۷۰۷، راوی: هادی نخعی.
- ۳۵- جلسه فرماندهان قرارگاه کربلا، ۱۳۶۱/۵/۱۱، نوار شماره ۶۸۰۷، راوی: هادی نخعی.
- ۳۶- جلسه فرماندهان قرارگاه کربلا، ۱۳۶۱/۵/۱۱، نوار شماره ۶۸۰۷، راوی: هادی نخعی.
- ۳۷- جلسه فرماندهان قرارگاه کربلا، ۱۳۶۱/۵/۱۱، نوار

